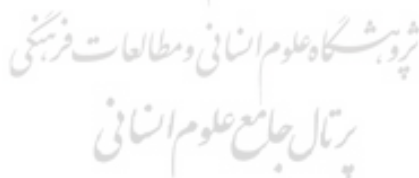


اسلام هراسی در اروپا؛ با تاکید بر کشور آلمان
رویا محمدی پرفکر^۱ - سید حسن ملائکه^۲
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۲۳

چکیده:

"اسلام هراسی" واژه‌ای است که از دهه ۸۰ میلادی در دستور کار معارضین غربی قرار داشته است اما پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۲ نگاه ویژه‌ای بدان شده است. در این نوشتار سعی شده چرایی بروز این پدیده در اروپا و شدت آن در سال‌های اخیر بررسی گردد. در این راستا به عوامل متعددی همچون تاریخی، فرهنگی، ایدئولوژی سیاسی و حادثه ۱۱ سپتامبر اشاره شده است و سپس به پیامدهای این پدیده در اروپا به صورت اعم و در آلمان به طور اخص پرداخته شده است. این مقاله رویکرد تحلیلی - مقایسه‌ای مبتنی بر روش مطالعه تاریخی دارد. نتیجه این مطالعات نشان از آن دارد که عادی سازی اسلام هراسی با هدف استیلای الگوی سیاسی لیبرال به راهبرد جامعه غربی بدل شده است.

واژگان کلیدی: اسلام‌هراسی، خشونت، تبعیض، اسلام، سیاست، اروپا



^۱ - دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد اصفهان (شهرضا)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
porfekar71@yahoo.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران: نویسنده مسئول
hmalaekheh@googlegmail.com

مقدمه:

روابط ناآرام غرب و اسلام از دیرباز موجب شده اروپاییان به اسلام چونان خطری جدی بنگرند به خصوص امروزه که شاهد گسترش جمعیت مسلمان در اروپا هستیم. مهاجرت و افزایش زاد و ولد میان مسلمانان اروپا و مقاومت مسلمانان مقیم در اروپا و غرب در مقابل فرهنگ غرب و پایبندی به اصول و باورهای اعتقادی خود و تقید به ظواهر دین اسلام بیش از پیش غربیان را به هراس انداخته است. از آنجایی که این رشد جمعیتی عامل قدرتمند شدن صدای سیاسی مسلمان در آینده اروپا خواهد بود در نتیجه دولتهای اروپایی و گروههای نژاد-پرست در این کشورها دست به اقدامات اسلام ستیزانه زده‌اند که مطالعه چرایی این پدیده هدف این نوشتار است. در ابتدا به چارچوب نظری این مفهوم می‌پردازیم و در گام بعد عوامل و پیامدهای اسلام هراسی در اروپا و آلمان به طور اخص با رویکرد تحلیلی - مقایسه‌ای مبتنی بر روش مطالعه تاریخی بر پایه منابع استنادی و کتابخانه‌ای بررسی می‌شود.

۱. رویکرد نظری - مفهومی اسلام هراسی

اصطلاح «Islamophobia» از کلمات اسلام، حرف لاتین «o» و کلمه «phobia» که به معنای ترس غیر معقول از چیزی یا بیزاری از آن است، تشکیل یافته است. پسوند «phobia» دو کاربرد کلی و متفاوت دارد: این پسوند گاه در روان‌شناسی در مورد افرادی به کار می‌رود که به نوعی بیماری دچارند و گاه در زمینه‌ای اجتماعی و در کنار اصطلاحات مربوط به ضدیت با اقوام و ملیت‌ها استفاده می‌شود. (مرشدی زاد، ۱۳۸۶: ۱۱۷-۱۱۶) در ژانویه سال ۲۰۰۱ م. در «مجمع بین‌المللی استکهلم برای مبارزه با عدم تساهل»^۱ گام‌هایی برای پذیرش رسمی این واژه برداشته شد و در کنار اصطلاح بیگانه‌ترسی، این واژه به عنوان نوعی عدم تساهل پذیرفته شد. «مرکز اروپایی نظارت بر نژادپرستی و بیگانه‌ترسی»^۲ که یک نهاد نظارتی اروپایی است، در ماه مه سال ۲۰۰۲ م. گزارشی با عنوان «خلاصه گزارش اسلام‌هراسی در اروپا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م.» منتشر کرد. که بیان‌کننده افزایش حوادث مخرب توسط مسلمانان در اروپا پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ م. بود.

در سال ۱۹۹۶ م. موسسه "رانیمدتراست" کمیسیون مسلمانان بریتانیا و اسلام هراسی را تشکیل داد که گزارش با عنوان «اسلام‌هراسی: چالشی علیه تمامی ما» انتشار یافت. در این

^۱- Stockholm international Forum on combating intolerance

^۲- European Centre on combating Racism and Xenophobia(EUMC)

گزارش اسلام هراسی به عنوان ترس در قبال مسلمانان، که باعث دفع آنها و تبعیض علیه آنها می‌شود، تعریف شده است. (poynting&Mason,2007.10) گزارش "رانیمدتراست" هشت برداشت را در ارتباط با «اسلام‌هراسی» شناسایی می‌کند:

۱. تمدن اسلامی بلوکی یکپارچه، ایستا و بدون واکنش در مقابل تغییرات است.
 ۲. تمدن اسلامی به عنوان «دیگری» مجزا که بدون ارزش‌های مشترک با دیگر فرهنگ‌هاست، از آنها تأثیر نمی‌پذیرد و بر آنها تأثیر نمی‌گذارد.
 ۳. تمدن اسلامی به عنوان تمدنی فرودست در مقابل تمدن غرب، غیر عقلانی، ابتدایی و جنسیت‌گرا در نظر گرفته می‌شود.
 ۴. تمدن اسلامی به عنوان تمدنی خشن، ستیزه‌جو، تهدیدکننده، حامی تروریسم و درگیر در رویارویی تمدن‌ها تعریف شده است.
 ۵. اسلام به مثابه ایدئولوژی سیاسی است که برای اهداف سیاسی و نظامی استفاده می‌شود.
 ۶. انتقادهای مسلمانان در خصوص غرب، انتقادهایی کهنه و منسوخ هستند.
 ۷. خصومت نسبت به اسلام به عنوان توجیهی برای رفتارهای تبعیض‌آمیز در قبال مسلمانان و طرد آنها از جامعه استفاده می‌گردد.
 ۸. خصومت بر ضد اسلام امری عادی در نظر گرفته می‌شود.
- استفن شوارتز، نویسنده آمریکایی، اسلام‌هراسی را به عنوان «محکوم‌سازی کلیت اسلام و تاریخ مسلمانان به عنوان امری افراطی؛ انکار اکثریت میانه‌روی مسلمان و در نظر گرفتن اسلام به عنوان مشکلی برای جهان؛ برخورد با تعارضات مربوط به مسلمانان به عنوان اموری الزاماً حاصل اشتباهات آنها؛ تاکید بر اینکه مسلمانان درصدد ایجاد تغییر براساس دین خود هستند؛ و اعلان جنگ علیه کلیت اسلام» تعریف کرده است. (<http://www.frontpagemag.com>)
- علاوه بر تعاریف فوق برداشت‌های معتدلی نیز وجود دارد که گفتگو و نقد را مجاز می‌شمارد. (Benn & Jawad, 2004,162) اما این پدیده در کشورهای مختلف به شکل‌های متفاوتی بروز یافته است. در برخی کشورها براساس نوع نگاه به اسلام و مسلمانان به عنوان «دیگر ملی» بنیان یافته. گرچه به خودی خود نژادپرستی نیست اما بسیار با نژادپرستی تعامل دارد.
- (Mihe & 2003,Brown,163-164)

شکل دیگری از اسلام هراسی به صورت در هم آمیختن ملیت (مثلا عرب)، دین (اسلام) و سیاست (تروریسم، بنیادگرایی و مانند اینها) وجود دارد که کلیشه‌هایی را در به وجود آمدن اسلام هراسی دخیل می‌داند، مانند این برداشت که اسلام مروج تروریسم است. (Ibid,166) البته باید اذعان نمود رسانه‌ها نقش مهمی در بروز اسلام‌هراسی داشتند. تعدادی از مقالات روزنامه‌ها بین سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۴ م. دیدگاه‌های مسلمانان را منعکس نکرده بلکه آنچه در این مقالات درباره مسلمانان نوشته شده بود، آنها را به گونه‌ای منفی به تصویر می‌کشید. از جمله این تصاویر نقش اسلام و مسلمانان به عنوان تهدیدی برای امنیت و ارزش‌های غرب بود. خصومت در قبال اسلام با «نحوه به تصویر کشیدن مسلمانان در این رسانه‌ها به عنوان بربر، غیرعقلانی و جنسیت‌گرا» پیوند دارد. (Benn& Jawad,2004) اصطلاحات به کار رفته در رسانه‌ها، مانند «تروریسم اسلامی»، «بمب‌های اسلامی» و «اسلام خشن» باعث برداشتی منفی در قبال اسلام شده است (Egorova & Tudor,2003.14) هنگامی که جهان مجبور است اصطلاحی برای نشان دادن تعصب و سرسختی در عقیده بیافریند، شاهد نشان از تحولی تأسف برانگیز و دشوار خواهیم بود. (<http://www.un.org/News/Press/docs>) که موقعیت مسلمانان مهاجر را در جهان تضعیف می‌نماید.

۲. موقعیت مسلمانان در اروپا

افزایش جمعیت مسلمانان در کشورهای غربی باعث شده بسیاری از اندیشمندان جمعیت را عامل موثر در رویکرد اسلام هراسی جوامع غربی بدانند هم اکنون در اکثر کشورهای اروپایی مسلمان بزرگترین اقلیت مذهبی هستند. (فائق حسینی، ۱۳۹۱: ۸۸) به دشواری می‌توان تعداد دقیق آن را مشخص کرد؛ زیرا تعدادی از کشورهای اتحادیه اروپا وابستگی دینی ساکنان خود را ثبت نمی‌کنند و تخمین‌ها اغلب تقریبی هستند. بیشترین تعداد مسلمانان در فرانسه (۴-۵ میلیون)، آلمان (بیش از ۴ میلیون)، انگلستان (حدود ۳ میلیون)، اسپانیا (حدود ۱ میلیون)، ایتالیا (بیش از ۲ میلیون) وجود دارند. تعداد مسلمانان در کشورهای بلژیک (۶۳۰ هزار)، یونان (تا ۶۱۰ هزار)، اتریش (۴۵۰ هزار)، سوئد (۴۳۰ هزار) و دانمارک (تا ۲۳۰ هزار) نفر است. مسلمانان حدود ۵/۹ درصد از جمعیت ساکنان این کشورها را تشکیل می‌دهند. (globalreligious-futures,2017) از آنجایی که اعضای اجتماعات مسلمان در کشورهای اتحادیه اروپا نوعا دارای پیشینه‌های متنوعی هستند، این اجتماعات نیز تنوع بسیاری یافته‌اند، و وابستگی‌های قومی،

فرهنگی، زبانی و اجتماعی متنوعی را در برمی گیرند. آنها همچنین به سنت‌های اسلامی متفاوتی تعلق دارند. بنابراین اشاره به آنها به عنوان اجتماعی منسجم گمراه کننده خواهد بود. (138 cesari.Cf, 2003,

گروه‌های مسلمان و ضد نژادپرستی در کشورهای اروپایی، تأسف خود را در خصوص تمایل رو به رشد رسانه‌ها از ۱۱ سپتامبر به بعد برای به تصویر کشیدن مسلمانان به گونه‌ای منفی و کلیشه‌ای ابراز داشته‌اند. در زمینه تحولات سیاسی‌ای که از ۱۱ سپتامبر به وقوع پیوسته است، تعداد رو به افزایشی از گزارش‌ها دیدگاه‌های تنگ نظرانه‌ای از اسلام منعکس ساخته‌اند و آن را به صورت دینی تک بعدی ارائه داده‌اند که سرکوبگر و بنیادگراست و ارزش‌های دموکراتیک و مدنی را مورد تهدید قرار می‌دهد. احزاب راست - پوپولیست در سال‌های اخیر تأثیری خاص بر بحث‌های سیاسی مربوط به مهاجرت و موضوعات ادغام در اتحادیه اروپا داشته است. این احزاب در تعدادی از کشورهای اتحادیه اروپا خواستار اقداماتی شدید برای محدودسازی هر چه بیشتر مهاجرت و موظف ساختن مهاجران به پذیرش آداب و رسوم کشورهای میزبان شدند. این احزاب به دنبال حادثه ۱۱ سپتامبر مسلمانان را به عنوان تهدیدی علیه امنیت و ارزش‌های کشورهای اتحادیه اروپا تصویر کرده‌اند و باعث تشویق عدم تساهل در قبال مسلمانان و دیگر اعضای اقلیت شده‌اند که عامل برانگیختن سایر احزاب سیاسی شدند تا مواضع سخت‌گیرانه‌تری در خصوص موضوعات مهاجرت اتخاذ کنند. (ر.ک. ورتزشفاور، ۱۳۷۸ : ۲۰۳-۱۸۷) این امر در بسیاری از موارد باعث به وجود آمدن سیاست‌های مهاجرت سخت-گیرانه‌تری شده است، که خود آسیب‌پذیری‌های مسلمانان و دیگر مهاجران موجود در جامعه را افزایش داده است. برای مثال، «اعضای جامعه شمال ایتالیا»^۱ جهت محدودسازی ساخت مساجد، استدلال‌هایی در خصوص امنیت ارائه داده‌اند، «گروه ولامز بلاک بلژیک»^۲ از استدلال‌های مربوط به امنیت برای اعتراض به تخصیص کمک‌های مالی دولتی به اجتماعات مسلمان استفاده کرده است. جبهه ملی فرانسه هشدار داده است که مسلمانان این کشور به اجتماعی بزرگ‌تر از مؤمنان وفادارند که تهدیدی علیه حاکمیت ملی محسوب می‌شوند. هزاران نفر از مسلمانان در آلمان صرفاً به دلیل اینکه سوابق آنها با معیارهای خاصی از جمله

^۱ Italian Northern league

^۲ Belgian Vlaams Blok

وابستگی به اسلام مطابقت داشت، مورد تحقیق، بازرسی و بازپرسی قرار گرفتند، و ده‌ها مسجد بدون دلیل مشخصی مورد حمله قرار گرفته است.

بخش عمده‌ای از حملات گزارش شده علیه مسلمانان دربردارنده حملات لفظی است. کسانی که به دلیل ظاهر خود به عنوان مسلمان شناخته می‌شوند؛ به ویژه در معرض آزار و اذیت در خیابان و اماکن عمومی قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، زنان مسلمانی که روسری به سر می‌کنند و مردان مسلمان با ریش و عمامه بیش از دیگران قربانی این حوادث هستند. در فرانسه، ۷۰ درصد حملات صورت گرفته علیه مسلمانان دربردارنده حمله علیه زنان مسلمانی است که روسری به سر داشتند. علاوه بر حمله لفظی، مواردی از خشونت فیزیکی و خراب‌کاری و ایجاد حریق در مساجد، قبرستان‌های مسلمانان، و املاک آنها نیز در سرتاسر منطقه اتحادیه اروپا گزارش شده است. افزون بر این، سازمان‌های مسلمان به عنوان یک جریان کلی در اروپا نگرانی خود را در این خصوص ابراز داشته‌اند که فضای اجتماعی پیش روی مسلمانان پس از ۱۱ سپتامبر رو به وخامت گذاشته است. با افزایش تلاش دولتها برای ارتقاء امنیت ملی، و با تبدیل شدن بحث افراطی‌گری دینی به مباحث مهم اجتماعی، پیش‌داوری‌های از قبل موجود در مورد مسلمانان تقویت شد. مسلمانان در تعامل خود با اعضای جمعیت اکثریت، مورد بی‌اعتمادی بوده‌اند و برای توجیه باورهای خود و تمایز قائل شدن خود و تروریست‌ها فشار روزافزونی را احساس کرده‌اند؛ برای مثال در دانمارک و اتریش، گروه‌های مسلمان شاهد بوده‌اند که پس از ۱۱ سپتامبر ابراز علنی خصومت علیه مسلمانان «مشروعیت» بیشتری یافته است و پیش‌داوری‌های مربوط به اسلام در خصوص سوءاستفاده از قدرت، سرکوب زنان و خشونت به شکلی روزافزون به سطح بحث‌های عمومی انتقال یافته است. (IHF, 2005.11-17)

۳. چرایی اسلام‌هراسی

مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و... در اسلام‌هراسی نقش دارند که ذیلاً بدانها اشاره شده است.

۳-۱- عامل مهاجرت و تقابل فرهنگ‌ها

بخش عمده‌ای از مسلمانان در کشورهای اروپایی دارای خاستگاه مهاجرتی هستند. بیشتر این کشورها به دنبال جنگ جهانی دوم، مهاجرت کاری از کشورهای مسلمان را افزایش دادند. برنامه اولیه این بود که این مهاجران تنها به صورت موقت در این کشورها بمانند و سپس به کشور خود بازگردند، اما بسیاری از این کارگران مهاجر سرانجام تصمیم گرفتند که بمانند.

کشورهای اتحادیه اروپا در دهه ۱۹۷۰م. در واکنش به رکود اقتصادی محدودیت‌های شدیدی را در خصوص مهاجرت اعمال کرد، و در دهه‌های بعد، بیشتر مهاجرانی که به این کشورها آمدند اعضای خانواده کارگران مهاجر پیشین - از جمله مسلمانان - بودند که از برنامه‌های وحدت بخشی مجدد خانوادگی بهره‌مند شدند. از دهه ۱۹۷۰ م. مهاجرتها افزایش یافت. بیشتر آنها ریشه در مستعمرات پیشین فرانسه در شمال آفریقا، الجزایر، مراکش و تونس دارند. طی بحران اقتصادی پس از جنگ در فرانسه، تعداد قابل ملاحظه‌ای از کارگران مهاجر از این کشورها به فرانسه آمدند. (BBC، وحشت ترک‌های آلمان از تجمعات پگیدا، ۲۰۱۵) بیشتر مسلمانان از ترکیه آمده‌اند، و مهاجرت آنها از این کشور براساس توافقنامه‌های دو جانبه کارگران مهمان در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ م. به اوج خود رسید. در سال‌های بعد، تعداد مسلمانان عمدتاً به دلیل وحدت‌یابی مجدد خانواده‌ها و از راه پناهندگی از بالکان، خاورمیانه و شبه‌قاره هند رو به افزایش گذاشته است. (<http://www.euro-islam.de>)

حدود ۶۵ درصد از مسلمانان سنی هستند. اما بنا به گفته مؤسسه مرکزی آرشیو اسلامی در آلمان، حضور در مساجد از سال‌های ۲۰۰۲ - ۲۰۰۳ م. افزایش یافته است. این جریان به احساس رو به رشد آسیب‌پذیری در میان مسلمانان مربوط می‌شود. این ترکیب به نسبت‌های متفاوت در کشورهای دیگر نیز وجود دارد. مسلمانان مهاجری که عمدتاً برای کار از پایان جنگ جهانی دوم به اروپا آمده‌اند، به دلیل تعلق به طبقات پایین جامعه، سطح پایین تحصیلات، خاستگاه سنتی و عواملی از این قبیل، توانایی کمتری برای انطباق با فرهنگ سرزمین جدید را داشتند. این تصلب فرهنگی در میان نسل نخست مهاجران بیش از نسل‌های بعدی وجود داشت و باعث به وجود آمدن نوعی پیش‌داوری در میان اروپاییان در خصوص تمامی مسلمانان شد.

مسلمانان مایل به ادغام شدن در جوامع غربی نبودند اینان با نشانه‌های بارز که در نوع پوشش ظاهری زنان و آرایش مردان مشهود بود، عدم تطبیق خود با کشورهای میزبان را به رخ می‌کشیدند. در این میان جوامع اروپایی نیز تلاشی برای شناختن صحیح آنها نداشتند و ترجیح دادند تا شهروندان اروپایی و آمریکایی آنها را بیگانه بدانند. پس از مدتی واژه بیگانه هراسی جای خود را به واژه اسلام هراسی داد. در سال ۱۹۹۱ برخی جامعه‌شناسان و صاحب نظران فرهنگی اروپایی هشدار دادند که شکل جدید نژادپرستی به احساس برتری اعتقادی تغییر یافته است و شهروندان اروپایی فکر می‌کنند که عقیده‌شان از دیگران بالاتر است امری

که آسیب‌های اجتماعی‌اش به مراتب وخیم‌تر از برتری جویی به دلیل رنگ پوست و مو است. به واقع مهاجرت مسلمانان به این جوامع و تشکیل جوامع متمایز در داخل جوامع غربی و همچنین گرایش غیرمسلمانان در این جوامع به اسلام و رشد بیشتر جمعیت مسلمانان مهاجر به نسبت سایر سکنه این کشورها باعث توسعه مسلمانان در اروپا و در نتیجه موجبات تشدید حساسیت نسبت به مسلمانان را در میان کشورهای اروپایی فراهم کرده است. (امینیان، ۱۳۸۷: ۱۱۲) به طور مثال میزان زاد و ولد مسلمانان فرانسه سه برابر فرانسوی تباران ذکر شده است.

گرچه مهاجران بسیاری از معضلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را برای جوامع مهاجر پذیر اتحادیه اروپا به ارمغان آورند ولی باید پذیرفت که بسیاری از شغل‌هایی که مهاجران در جوامع غربی بر عهده می‌گیرند مشاغل سخت و پست جامعه است، کارهایی که کم‌تر جمعیت بومی کشورهای اروپایی آنها را می‌پذیرند. بعلاوه، این مهاجران نسبت به شهروندان بومی از حقوق کمتر و تعداد ساعت کاری بیشتر برخوردار هستند.

۳-۲- ایدئولوژی اسلام سیاسی

اسلام سیاسی دربردارنده ایدئولوژی‌های مختلفی است که هر کدام از انواع آن مدعی برخورداری از حقیقت و قطعیت هستند و در بسیاری از موارد، یکدیگر را نفی و طرد می‌کنند. این ایدئولوژی‌ها از گرایش‌های سلفی مانند وهابیت، که گرایشی محافظه‌کارانه محسوب می‌شود، تا جنبش‌های آزادی‌بخش در برخی کشورها و حرکت‌هایی که در مقابل استعمار و نفوذ غرب و صهیونیسم شکل گرفته‌اند، مانند انقلاب اسلامی و به دنبال آن نظام جمهوری اسلامی در ایران، نهضت اجرای فقه جعفری در پاکستان، حرکت مقاومت اسلامی در فلسطین (حماس)، حزب‌الله لبنان و ... امتداد دارد. ویژگی مشترک تمامی این جریان‌ها اعتقاد به توانایی دین اسلام در پاسخ‌گویی به مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موجود در جهان امروز است. اسلام در ذات خود دینی سیاسی است، ولی در طی تاریخ و با توجه به تحولاتی که در جهان اسلام و نیز ارتباط آن با جهان خارج روی داد، زمینه‌ای فراهم آمد که گرایش‌های مختلف اسلامی بر ابعاد سیاسی اسلام تاکید مجدد و مضاعفی ورزند و از ظرفیت‌های سیاسی و بسیج‌گرانه اسلام برای مواجهه با دشمنان و ایستادن در مقابل حاکمان مستبد و منحرف و همچنین برای مقابله با آنچه خود انحراف می‌شمردند، استفاده کنند. بدیهی است که این مجموعه گسترده که ذیل عنوان اسلام سیاسی است، دربردارنده گرایش‌های متفاوتی است که

از واقع‌گرایانه تا آرمان‌گرایانه، معتدل تا رادیکال، و از حقیقت‌جو و حق‌طلب تا انحرافی امتداد دارد. آنچه که حرکت‌های اصیل‌تر مانند انقلاب اسلامی و اسلام‌خواهی در ایران و برخی دیگر از کشورهای جهان را که برخاسته از متن مردم هستند، در کنار جنبش‌های رادیکال و انحرافی قرار می‌دهد، صرفاً اشتراک لفظی است.

در میان نحله‌های مختلف اسلام سیاسی، سلفیه، که ریشه در اندیشه‌های افرادی مانند ابن‌تیمیه دارد و در دوره معاصر با اندیشه‌های محمدبن‌عبدالوهاب در قالب مکتب وهابیت ظهور یافت زمینه‌ساز شکل‌گیری دولت عربستان سعودی و نیز جریان‌ها و سازمان‌هایی سیاسی در جهان عرب و برخی دیگر از کشورهای جهان اسلام شد. مسلک وهابیت با آنکه با نام پیراستن اسلام از بدعت گمراهان و بازگرداندن آن به شیوه سلف صالح آغاز شد، خود یکی از موانع پیشرفت و پویایی اندیشه مسلمانان گردید؛ کشتار و ویرانی‌هایی که وهابیان در سرزمین‌های اسلامی مرتکب شدند، بر تعصب‌ها و کشاکش‌های فرقه‌ای میان مسلمانان افزود. وهابیان در شناخت و شناساندن اسلام سلف و مبانی اصلی و خالص اسلامی چندان آگاه نبودند. از این جهت به نظر همه مذاهب اسلامی - به جز حنبلی‌ها - عقاید وهابیه درباره معنای بدعت و حرمت زیارت مقابر و ذبح و نذر و شفاعت و مانند اینها با اسلام مطابقت ندارد. (عنایت، ۱۳۵۸: ۶-۷) یکی از جنبه‌های تأثیرگذاری سلفیه بر شکل‌گیری اسلام‌هراسی، تلاش‌های تبلیغاتی این جریان در کشورهای مختلف به ویژه از دهه ۱۹۷۰ م. است. این جریان با حمایت دولت‌های عربی به ویژه دولت عربستان، در چند دهه اخیر در کشورهای مسلمان و نیز غیر مسلمان تبلیغات دامنه‌داری را برای گسترش دیدگاه‌های خود به عمل آورده‌اند. امکانات مالی هنگفت و تبلیغات گسترده این جریان باعث شده است که مردم کشورهای غیر مسلمان براساس قرائتی که آنها از اسلام ارائه می‌دهند، تصور خود از اسلام را شکل دهند. در حالیکه دیدگاه‌های آنها با واقعیت کنونی سازگاری ندارد و بدون در نظر گرفتن زمان و مکان احکام اسلامی را بیان می‌کنند.

نمونه‌ای از این برخورد در فرانسه و در ارتباط با عبدالقادر بوزیان روی داد. او که امامی الجزایری‌الاصل است در مصاحبه‌ای با یک مجله از حق شوهران در کتک زدن زنان‌شان و نیز سنگسار کردن زنان زناکار دفاع نمود. (Connolly, Kate.2015) اظهارات وی حکومت فرانسه را واداشت تا قانون جدیدی وضع کند، که اخراج خارجیانی را که «باعث برانگیختن تبعیض، دشمنی و خشونت علیه شخص یا گروه خاصی از اشخاص می‌شدند»، مجاز می‌شمرد. (BBC، -

۲۰۰۴) رئیس شورای دین اسلام فرانسه بیانیه‌های مطرح شده توسط بوزیان را ناپسند شمرد و نتیجه گرفت کسانی که از این ایده‌ها حمایت می‌کنند، «ارزش» آن را ندارند که امام باشند. (Heniey, 2004) البته سازمان فرانسوی ضد اسلام‌هراسی ابراز نگرانی کرده است که تصمیمات گرفته شده توسط وزارت کشور برای اخراج امامان نوعاً بدون در نظر گرفتن جزئیات است. (IHF, 2005.11-17) نمونه‌هایی از این دست گهگاه در برخی کشورها اتفاق افتاده و سازمان را بر آن داشته است که خواستار مجوز برای آموزش امامان شوند. برخی دولت‌ها نیز قوانینی وضع کرده و مساجد و سازمان‌های اسلامی را ملزم ساخته‌اند که امامان مساجد و خطیبان را از میان کسانی انتخاب کنند که زبان و فرهنگ کشور میزبان را بشناسند. جنبه دیگری از تأثیرات منفی حرکت سلفی به شکل‌گیری سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی رادیکال مربوط می‌شود. اگر بخواهیم سابقه این سازمان‌ها را پیگیری کنیم، باید ابتدا به سراغ اخوان المسلمین برویم؛ سازمانی که با ایده‌های محمد رشیدرضا توسط شاگرد وی، حسن‌البناء تأسیس شد و در کشورهای مختلف عربی به فعالیت پرداخت. اخوان به لحاظ فکری بسیار تحت‌تأثیر اندیشه‌های رشیدرضا قرار داشتند و با ورود به میدان عمل کوشیدند تا با در دست گرفتن سلاح آن اندیشه را محقق سازند. اخوان الغای خلافت عثمانی را نیز محکوم می‌کردند و آن را اقدامی برنامه‌ریزی شده توسط امپریالیسم و ادامه جنگ‌های صلیبی می‌دانستند. آنها تشکیل حکومت اسلامی را امری ضروری می‌دانستند و معتقد بودند بدون آن، احکام و حدود الهی اجرا نخواهد شد و حکومت عربستان سعودی را نیز نقد می‌کردند و معتقد بودند تا زمانی که منافع فاصله میان فقیر و غنی در این کشور به جیب عده‌ای خاص می‌رود، نمی‌توان از حکومت اسلامی دم زد. (عنایت، ۱۳۸۵: ۱۵۸-۱۶۲) نقطه اوج رادیکالیسم اخوان را می‌توان در اندیشه سید قطب به ویژه در کتاب **معالم‌الطریق** وی مشاهده کرد. سید قطب در این کتاب پس از برشمردن بدی‌ها و پلیدی‌های جوامع مسلمان خود را از این جامعه جدا کرده، به تشویق و ترویج جهاد با پلیدی‌ها می‌پردازد.

اندیشه‌های سید قطب زمینه‌ساز تشکیل سازمانی با عنوان «جماعت المسلمین» یا گروه «التکفیر و الهجره» شد. این گروه را از این جهت «التکفیر و الهجره» می‌نامند که اعضای آن جامعه مصر را تکفیر کردند و از این جامعه هجرت کرده، به دامان کوه پناه بردند و در آنجا به خودسازی و آموزش فنون نظامی پرداختند تا بتوانند جامعه خود را از جاهلیت نجات دهند. این گروه طی دوران فعالیت خود به عملیات بسیاری علیه دولت مصر دست زد و تعدادی از

اعضا و سران آن دستگیر، زندانی و یا اعدام شدند. سازمان دیگری که باز از اندیشه‌های سید-قطب الهام گرفت، سازمان «الجهاد» بود. این سازمان نیز مشی زیرزمینی و مسلحانه داشت و خالد الاسلامبولی، عضو این سازمان بود. اهمیت این سازمان‌ها در بحث ما این است که این گروه‌ها بعداً در زمان اشغال افغانستان با تشویق دولت‌های عرب (در جهت صدور بحران‌های داخلی این دولت‌ها به خارج) به افغانستان رفتند و زمینه‌ساز شکل‌گیری گروه «القاعده» شدند. بدین ترتیب، پدیده عرب‌های افغانی شکل گرفت. این عرب‌ها، که در جنگ علیه شوروی از حمایت آمریکا برخوردار بودند، به رغم جزم‌اندیشی، پدیده‌ای بین‌المللی محسوب می‌شدند که در کشورهای مختلف در تردد بودند. آنان بیشتر دارای تحصیلاتی بالا و مسلط به چند زبان بودند و مهارت‌های نظامی و فنی خوبی داشتند.

۳-۳- عامل اروپا محوری یا نژادپرستی

هویت در جوامع ماقبل مدرن از ثبات برخوردار بود؛ زیرا اسطوره‌های دیرین و نظامی از نقش‌های از قبل تعریف شده آن را حمایت می‌کرد. انسان بخشی از یک نظام خوشایند کهنسال بود. اندیشه و رفتار او در یک جهان‌بینی محدود گرفتار آمده و جهت‌گیری زندگی آینده وی کم و بیش تعیین یافته بود. بنابراین، نیازی به پرسش از جایگاه خود در جهان نداشت. هویت اصلاً موضوعیت نداشت. (وارد، ۱۳۸۴: ۱۹۶) اما مدرنیته ترویج حال و آینده و نفی گذشته و رواج این باور که گسستن از قیدوبندهای سنت باعث پیشرفت به سمت رهایی انسان می‌شود. مردم را واداشت که به پرسش درباره ماهیت هویت خویش بپردازند. هویت‌ها در این دوره به گونه‌ای خطی ارزش‌گذاری شدند. در این ارزش‌گذاری هویت‌های شهری، بوژوا، اروپایی (انگلو ساکسون، یا وابسته به دیگر کشورهای اروپایی)، سفیدپوست، مسیحی (در برخی موارد کاتولیک و گاه پروتستان)، و مانند اینها ارزشمند و هویت‌های دیگر فرودست قلمداد شدند. به همین ترتیب توسعه نیز جهتی خطی به خود گرفت. بر طبق این دیدگاه تنها یک راه برای توسعه وجود داشت: غربی شدن و پیمودن تجربه‌ای که غرب در آن گام نهاد. این نگاه در شکل افراطی خود به نژادپرستی انجامید و فرهنگی را بنیان نهاد که حاصل آن نفی و طرد سایر فرهنگ‌ها بود. احزاب راست‌گرای غرب در حال حاضر براساس این دیدگاه عمل می‌کنند و چنین نگرشی را تبلیغ و ترویج می‌کنند؛ از جمله این احزاب، حزب «لیگ شمالی ایتالیا» که در این کشور همواره با سیاست‌های مربوط به مهاجرت مخالفت کرده و خواستار سخت‌گیری بیشتری در این سیاست‌ها شده است. این حزب مخالف شدید ساخت

مسجد در ایتالیاست و اعضای این حزب پس از ۱۱ سپتامبر همواره وجود مسلمانان در ایتالیا را با دغدغه‌های امنیتی پیوند داده‌اند. در آلمان نیز حزب «دموکرات-مسیحی (CDU)» و حزب سوسیال مسیحی (CSU) چنین نگرشی را تبلیغ می‌کند. این احزاب مفهوم فرهنگ اکثریت آلمانی را به عنوان «فرهنگ راهبر» معرفی می‌کند، فرهنگی که مهاجران باید خود را با آن منطبق سازند. آنگلا مرکل در یک سخنرانی جنجالی در کنفرانس سالانه این حزب در اوایل نوامبر سال ۲۰۰۴ م. ضمن توصیف فرهنگ آلمانی به عنوان فرهنگی «که در آن ما تعطیلات مسیحی، و نه تعطیلات مسلمانان، را جشن می‌گیریم»، خواستار دستیابی به این هدف شد. موضعی که به نظر می‌رسید از دید آنان نشان‌دهنده آن است که همانندسازی مردمان دارای خاستگاه خارجی ضرورت دارد. این نگرش، به دلیل تهییج احساسات و ایجاد ترس و ناامیدی در میان مسلمانان، مورد انتقاد دیگر احزاب سیاسی و سازمان‌های غیردولتی قرار گرفت. این گرایش‌ها در میان سایر مردمان اروپایی نیز بسیار دیده می‌شود و باعث می‌گردد که نگاهی تحقیرآمیز در قبال غیر اروپاییان از جمله مسلمانان داشته باشند.

۳-۴- حادثه ۱۱ سپتامبر

۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ م. نقطه عطفی در تحولات بین‌المللی محسوب می‌شود و آغاز عصر جدیدی را رقم می‌زند. از این تاریخ آمریکا به صورت مستقیم در جنگ علیه دولت طالبان در افغانستان و دولت صدام حسین در عراق وارد عمل شد. در سطح اجتماعی و در ارتباط با موضوع اسلام‌هراسی نیز از این تاریخ شاهد افزایش بدبینی و تشدید خشونت، تبعیض و عدم تساهل علیه مسلمانان هستیم. از این تاریخ برخی از سیاستمداران سخنانی را که نمی‌توانستند بر زبان آورند، جرأت کرده به صورت صریح طرح کردند و اسلام و مسلمانان را به تروریسم متهم کردند و خواستار محدودیت مهاجرت مسلمانان شدند و پیشنهادهایی در خصوص اخراج مسلمانان، جلوگیری از گسترش مساجد، محروم‌سازی زنان محجبه از تحصیل و ... را مطرح کردند. این حملات پس از ۱۱ سپتامبر افزایش یافت و مسلمانان بیش از پیش خصومت، تبعیض و محرومیت را تجربه کردند. گزارش‌های مربوط به کشورهای مختلف نشان می‌دهد که وابستگی به اسلام ممکن است در بازار کار امتیاز منفی محسوب شود. تحلیل‌های انجام گرفته در سوئد، فرانسه، انگلستان و دیگر کشورها نشان داده‌اند که افراد دارای نام‌های مشخص مسلمان - یا عرب - کمتر از اعضای دارای نام‌های اکثریت با همان قابلیت‌ها به مصاحبه دعوت می‌شوند؛ برای مثال، بر طبق مطالعه انجام گرفته در انگلستان، افراد دارای

نام‌های اسلامی در مقایسه با افراد دارای نام‌های فرانسوی با همان قابلیت‌ها در مقابل تقاضا برای استخدام در یک شغل سه برابر کمتر پاسخ مثبت می‌شنوند. نمایندگان مسلمان در اتریش از جمله شاهد بوده‌اند که زنان مسلمانی که روسری به سر می‌کنند، اغلب در یافتن شغل، به ویژه مشاغلی که با مشتریان سر و کار دارد، با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌شوند؛ برای مثال در هلند، سوئد، دانمارک و دیگر کشورها این احساس تقویت شده است که تبعیض علیه زنان مسلمانی که روسری می‌پوشند، در بازار کار مشکلی قابل توجه است. به علاوه، گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد مسلمانان توسط مقامات، مورد تبعیض انگیزه‌های دینی واقع شده‌اند. مسلمانان در کشورهای اروپایی به هنگام درخواست برای کسب مجوز افتتاح عبادتگاه یا حتی در هنگام کسب اجازه برای دفن عزیزان خود در گورستان‌های عمومی با رفتاری تبعیض‌آمیز روبه‌رو شده‌اند. مأموران دولتی در موارد متعددی در فرانسه تنها در صورتی حاضر شده‌اند به زنان مسلمان کمک کنند که آنها روسری خود را بردارند، و از جمله این موارد مراسم ازدواج بوده است.

۳-۵- عامل تاریخی

با توجه به سابقه تاریخی اروپاییان از شرق و اسلام و همچنین اثرات اندیشه‌های متفکران بزرگ اروپایی چون، ارسطو، مونتنسکیو، ماکیاول و دیگران درباره ملل شرقی و اسلام، ذهن اروپاییان مملو از اندیشه‌های منفی است که طی مدت‌های طولانی توسط مبلغان مسیحی و مستشرقان بیان شده است. مبلغان مسیحی برای اینکه ذهنیت مومنان مسیحی را نسبت به اسلام مخدوش کنند به سمت مطرح کردن مسائلی همچون گسترش اسلام از طریق شمشیر، قوانین نابرابر درباره زنان و بردگان، احکام خشونت‌آمیز قصاص، رجم ... رفتند. با کاهش فعالیت‌های مبلغان مسیحی جای آنها را شرق‌شناسان اروپایی پر کردند. اکثریت شرق‌شناسانی که به مطالعه اسلام پرداختند نتوانستند با یک نگاه بی‌طرفانه و علمی به اسلام بپردازند و تقریباً تمامی تحقیقات آنان به همان نتایجی رسید که پیش از این مبلغان مسیحی به آن رسیده بودند. (نقیب‌زاده، صالحی نجف‌آبادی، پاییز، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۱)

طی قرن ۱۹ و ۲۰، توقف، انفعال و رکود در جهان اسلام از نگرانی گروه‌های ضد اسلامی کاست. از این زمان غرب در حالتی تهاجمی قرار گرفت و مسلمانان سنگر به سنگر مواضع خود را واگذار کرده و عقب‌نشینی کردند. پس از احیای مجدد و بازیابی هویت جهان اسلام که از اواخر قرن بیستم و بویژه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز گردید، به تدریج احساس

ترس از اسلام و مقابله با مسلمانان در غرب در ابعاد جدیدی آغاز شد. (امینیان، ۱۳۸۷: ۱۶۲) از ابتدای رویارویی مسیحیت با اسلام تا زمان حاضر، مبلغان مسیحی همواره استحاله و نابود سازی ارزش‌های اسلامی بویژه در حوزه ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی اسلام را در دستور کار خود قرار داده‌اند. پس از فروپاشی پرده آهنین و نابودی وحدت غرب در برابر دنیای شرق یا همان کمونیست، نوعی دگرگونی ماهیتی در اختلافات بین‌المللی پدیدار گشت و غرب به مبارزه تاریخی خود علیه اسلام ادامه داد. هانتینگتون در این باره می‌گوید:

«مادام که اسلام همچنان اسلام بماند و غرب نیز غرب بماند نزاع بنیادین میان این دو تمدن و روش زندگی، روابط آنها را در آینده نیز تعریف خواهد کرد؛ درست به همان‌گونه که در ۱۴ قرن گذشته صورت پذیرفته است». در نطقی دیگر جان گالوین فرمانده نیروی ناتو، به هنگام ترک بروکسل (مرکز اتحادیه ناتو) در سال ۱۹۹۲ اعلام کرد: «ما جنگ سرد را از روسیه کمونیست بردیم، حال می‌توانیم پس از یک کجروی ۷۰ ساله، به نبرد واقعی خود که قدمتی ۱۴۰۰ ساله دارد و همانا رویارویی با اسلام است بازگردیم». (منصوری، ۱۳۸۶: ۱۶) از این رو دستگاه‌های نظریه‌پردازی به کار افتاد، نظریه «پایان تاریخ» فوکویاما برنده شد. پایان تاریخ بدین معنا بود که همه چیز به لیبرالیسم غربی ختم خواهد شد و بقیه روش‌ها محکوم به شکست هستند. روسها با شکست خود و چینی‌ها با تجدید نظر در نظام اقتصادی خود بهترین ادله را در اختیار این نظریه قرار دادند. حوادثی چون پیروزی نیروهای جهادی بر ارتش سرخ در افغانستان، پیروزی جبهه نجات اسلامی در الجزایر، پیروزی طالبان در افغانستان و معرفی چهره‌های خشن از این گروه به نام اسلام در غرب، مطرح شدن مسئله حجاب در مدارس غرب و بویژه فرانسه، انتفاضه فلسطین و در نهایت حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ وقوع یک سلسله حوادث کوچکتر مانند بمب گذاری در متروی پاریس و دیگر شهرهای اروپایی، اسلام و مسلمانان در معرض گستاخانه‌ترین اتهامات، تحقیرها و توطئه‌ها قرار داد. (نقیب زاده، ۱۳۸۵: ۷-۴)

عوامل دیگر رشد اسلام‌هراسی در اروپا

۱) شهروندان اروپایی گمان می‌کنند که مسلمانان افرادی منزوی، جدایی‌طلب و گوشه گیرند. آنها مایل به حل شدن در جامعه نیستند و از معاشرت و تبادل فرهنگی و معیشتی با غیرمسلمانان دوری می‌کنند.

۲) شهروندان اروپایی و غربی فکر می‌کنند که دین اسلام یک دین تک صدایی، راکد و

- بی‌اعتنا به تغییر و تحول است و از آن رو جایی در جامعه مدرن ندارد.
- (۳) اروپایی‌ها مسلمانان را بزرگترین منتقدان خود می‌دانند.
- (۴) اروپا و غرب در تلاش برای تحقیر مسلمانان و معرفی اسلام به عنوان دینی غیر منطقی و بدوی به دنیای غرب بویژه نسل‌های جدید هستند.
- (۵) تصویر غرب مبنی بر اینکه اسلام در پی حکومت کردن بر آنان است. (ایرانلو، ۱۳۸۵: ۱۱)
- (۶) به باور بسیاری از اروپاییان هر قدر هم که اسلام و دموکراسی در تئوری با یکدیگر موافق و همگام باشند در عمل با یکدیگر ناسازگاری دارند؛
- (۷) معرفی کردن اسلام به عنوان دینی ضد زن و غیرمسلمانان؛
- (۸) رشد و تقویت گرایش‌های راست افراطی و احزاب افراطی در اروپا. (بویژه در کشورهای اتریش، ایتالیا، هلند، فرانسه و آلمان)
- (۹) شرایط نظام بین‌الملل پس از ۱۱ سپتامبر و عملکرد رسانه‌های غربی در پیوند دادن اسلام با خشونت. (قهرمان پور، ۱۳۸۷: ۲۵)
- (۱۰) طرح بیداری اسلامی و احیای هویت مسلمانان بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان منبعی الهام بخش.
- (۱۱) گسترش تحجر و خشونت به نام اسلام.

پیامدهای اسلام هراسی در اروپا

پیامدهای اسلام هراسی در اروپا عبارتست از: سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که ذیلاً بدانها می‌پردازیم. احساسات منفی و آزار و اذیت نسبت به مسلمانان، اعمال محدودیت بر انجام فرائض دینی مسلمانان، سیاست‌های مهاجرتی دولت‌های اروپایی، اعمال فشار بر مهاجران مسلمان و نیز سیاست مقابله با تروریسم و افراط گرایی.

۱. احساسات منفی و آزار و اذیت مسلمانان در جوامع اروپایی: در این راستا می‌توان به برخی از رویدادهایی که علیه اماکن مذهبی و عبادی مسلمانان در فرانسه رخ داده است، همچون تبعیض، اهانت و تعرض و تخریب اماکن مقدس اشاره نمود که عبارتست از: آسیب رسانی به قبرستان متعلق به مسلمانان در شهر لیل (آوریل ۲۰۰۲)، تلاش برای آتش زدن مسجدی در شهر لیون (دسامبر ۲۰۰۲)، آسیب رساندن به قبرستان متعلق به نظامیان مسلمان

در هوت رین (آوریل ۲۰۰۳)، آتش زدن مسجدی در شهر آنسی (مارس ۲۰۰۴) تلاش و مبادرت به آتش زدن شورای منطقه‌ای مسلمانان در شهر استراسبورگ (ژانویه ۲۰۰۵). بر اساس گزارش مطالعات اخیر دانشگاه لیدن و بنیاد آن فرانک، تعداد برخوردهای خشونت آمیز علیه مسلمانان در سال ۲۰۰۷، ۸۲ مورد بوده که این تعداد در سال ۲۰۰۶، ۶۲ مورد گزارش شده. این آمار در سال ۲۰۰۸ به ۱۸۷ مورد، افزایش یافته.

۲. اعمال محدودیت بر رفتار و عمل به اعتقادات دینی مسلمانان در جوامع اروپایی: در قانون اساسی کشورهایی مانند فرانسه، آلمان، انگلستان، هلند و بلژیک، آزادی دین و عقیده در معنی حقوقی آن تضمین شده است و صاحبان ادیان از نظر حقوقی می‌توانند عبادات و آیین‌های خاص خود را انجام دهند. اما با تشدید اسلام‌هراسی در اروپا شاهد محدودیت مسلمانان در عمل به اعتقادات دینی هستیم. علیرغم اقدامات مثبت و مهم برخی کشورهای اروپایی برای به رسمیت شناختن اسلام و نیز اعطای حقوق مدنی به مسلمانان، موانع و تنگنا-های زیادی همچنان پیش روی مسلمانان وجود دارد و نسبت به برخی مظاهر اسلامی هم-چون حجاب، ساخت مسجد مشکلاتی به وجود آورده‌اند و همچنین برخی از دولت‌های اروپایی خواهان نظارت و حتی آموزش امامان مساجد در راستای ادغام و همگونی بیشتر جامعه مسلمانان با جوامع اروپایی برآمده‌اند.

یکی دیگر از موضوعات و موانعی که مسلمانان در اروپا با آن مواجه هستند، ساخت مسجد است. به عنوان مثال در فرانسه این امر بحث‌های گوناگونی را در سطح محلی و ملی و افکار عمومی در دو دهه اخیر به وجود آورده است. در این خصوص تنها به گفته شهردار شهر نایس اکتفا می‌کنیم که در مصاحبه‌ای اظهار داشته بود: «اعطای جواز ساخت برای مساجد در جمهوری لائیک فرانسه قابل تحمل نیست». کشورهایی همچون نروژ در سال ۲۰۰۴ و فرانسه در سال ۲۰۰۵، امامان و رهبران مذهبی را ملزم به شرکت در کلاس‌ها و یادگیری زبان و فرهنگ خود نموده‌اند. همچنین آنان را ملزم به احترام به ارزش‌های اروپایی کرده‌اند و مقرری و حقوق امامان و رهبران مذهبی را به مؤسسات خیریه و اعانات جامعه مسلمانان مقیم محدود نموده‌اند. دولت‌های دانمارک و هلند، امامان را ملزم به گذراندن آموزش‌های لازم در امور دینی نموده است. برخی کشورهای اروپایی همچون آلمان، هلند و کشورهای اسکاندیناوی ترجیح می‌دهند امامانی را از کشور ترکیه سکولار دعوت به کار کنند که به زعم این کشورها این امامان، دارای دیدگاه معتدل و مدرن می‌باشند.

۳. سیاست‌های مهاجرتی دولت‌های اروپایی و اعمال فشار بر مهاجران مسلمان: بر اثر تبلیغات سوء علیه اسلام و مسلمانان در اروپا توسط برخی رسانه‌ها و گروه‌ها این تصور شکل گرفته که اگر چه همه مسلمانان تروریست نیستند اما اکثر تروریست‌ها مسلمان هستند. در نتیجه این طرز تفکر قوانین ضد تروریستی زیادی در کشورهای اروپایی تصویب شد. به عنوان مثال دولت فرانسه در سال ۲۰۰۴ اعلام کرد، دولت تمایل دارد که نیروی پلیس ویژه‌ای را در ۲۲ منطقه کشور برای کنترل و مراقبت از مساجد و اماکن ایجاد کند. این نظارت بر رستورانها، کتابخانه‌ها، قصابی‌های حلال تسری یافت. دولت فرانسه اغلب روحانیونی که گمان می‌رود رادیکال و افراط گرا می‌باشند را اخراج می‌کند. در سال ۲۰۰۴ بنا به گزارش‌ها دولت فرانسه ۱۲ نفر از روحانیون مسلمان از جمله عبدالقادر بوزیان امام مسجد شهر لیون را اخراج نمود. امروزه در فرانسه مسلمانان بیش از دیگران مورد کنترل و بازرسی قرار می‌گیرند. بیش از ۵۰۰ مورد بررسی اوراق هویت افراد در یکی از ایستگاه‌های ترانزیت پاریس نشان می‌دهد مسلمانان ۵/۷ بار بیش از سفید پوستان اروپایی مورد بازرسی قرار گرفته‌اند. این وضعیت، در سایر کشورهای اروپایی از جمله آلمان و انگلیس و ایتالیا نیز به چشم می‌خورد. در ژانویه ۲۰۰۳ پلیس ایتالیا ۲۸ نفر از اتباع پاکستانی را در شهر ناپل بازداشت کرد. وقتی نیروهای پلیس ایتالیا مهاجران غیر قانونی پاکستانی را بازداشت کردند، مقامات آن کشور مدعی به اضمحلال یکی از هسته‌های القاعده شده‌اند که مترصد حمله به تأسیسات ناتو در نزدیکی ناپل بوده‌اند. آنها اعلام کردند که نیروهای پلیس، موفق به یافتن مواد منفجره، چاشنی‌های انفجاری، نقشه‌های محلی، کارت‌های شناسایی جعلی، کتابها و متون مذهبی، عکس‌هایی از شهدای جهاد و دهها تلفن همراه شده‌اند. اما تنها دو هفته بعد همه مظنونین به دلیل فقدان ادله و شهود قابل استناد آزاد شدند. با نگاه اجمالی به مجموعه قوانین کشورهای اروپایی سه نکته در تمام آنها دیده می‌شود: الف. چند برابر کردن مراحل آزمون پرونده مهاجرتی به منظور رد درخواست‌ها پیش از بررسی نهایی. ب. مانع تراشی و عدم دریافت فوری پرونده در مرکز پلیس به منظور محدود کردن تعداد درخواست‌ها. ج. افزایش تعداد رد درخواست‌ها به منظور ایجاد مانع روانی برای متقاضیان پناهندگی.

رئیس جمهور اسبق فرانسه سارکوزی راجع به قانون دوم ضد مهاجرتی موسوم به «قانون مهاجرت و همگرایی» اظهار داشت مهاجران می‌بایست زبان فرانسه را بیاموزند و به قانون فرانسه حتی اگر ناسازگار با بینش آنان باشد احترام بگذارند چرا که عامل همگرایی آنان با

جامعه فرانسه است. آنان بایستی انتقادات را حتی آنهایی که در قالب کاریکاتورهای مذهبی در روزنامه‌ها منتشر می‌شوند بپذیرند و زنان نیز باید از عکس‌های بدون پوشش حجاب، برای کارتهای شناسایی خود استفاده کنند.

از دیگر پیامدها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. ارائه چهره خشن و غیر واقعی از مسلمانان.
۲. کسب بهانه‌ای برای افزایش فشار بر مسلمانان و جلوگیری از فعالیت گروه‌های مسلمان در کشورهای اروپایی.
۳. محدود کردن حقوق اقلیت‌های مسلمان و افزایش کنترل مسلمانان.
۴. به دست آوردن بهانه لازم برای افزایش فشار علیه گروه‌های جهادی و مقاومت واقعی.

۴- اسلام‌هراسی در آلمان

آلمان از جمله کشورهای اروپایی است که پس از فرانسه بیشترین جمعیت مسلمان را در خود جای داده است ولی به دلیل سیاست‌های نژاد پرستانه و اسلام ستیزانه این کشور، اقلیت مسلمان با مشکلات زیادی مواجه است. در این کشور مسلمانان پس از مسیحیان، دومین گروه مذهبی را تشکیل می‌دهند. ولی جمعیت مسلمانان از بیشترین سرعت رشد در بین این گروه‌ها برخوردار است. طبق پژوهش «سازمان کنفرانس اسلامی در آلمان» شمار مسلمانان آلمان بین سه میلیون و هشتصد هزار تا چهار میلیون و سیصد هزار نفر تخمین زده شده که نیمی از آنان دارای تابعیت آلمانی هستند. در خصوص گرویدن جوانان مسیحی به دین اسلام و افزایش آمار آلمانی‌های مسلمان شده اعلام شده که پیش از ۱۱ سپتامبر سالانه ۲۰۰ نفر تا ۵۰۰ آلمانی به اسلام گرویدند اما پس از این روند، رشد جهش یافته است و هر سال بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر آلمانی به اسلام می‌پیوندند. (آذر مکان، ۱۳۹۰) ۷۰ درصد این مسلمانان ترک تبارند. مهاجرت ترک‌های مسلمان به آلمان از دهه ۶۰ و به دلیل کمبود نیروی کار آلمان آغاز شد. مسلمانان بیشتر در مناطق و شهرهای صنعتی این کشور نظیر برلین، کلن، فرانکفورت، اشتوتگارت، دورموند، مونیخ و ... ساکن هستند. بعد از ترک‌ها، بوسنیایی دومین جمعیت مسلمانان این کشور را تشکیل می‌دهند و ایرانی‌ها، مراکشی‌ها، افغانی‌ها، لبنانی‌ها، پاکستانی‌ها، سوری‌ها، تونسی‌ها، الجزایری‌ها، اندونزیایی‌ها و عرب‌های عمان در رده بعدی قرار دارند.

گفتنی است پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دولت آلمان سیاست‌های جدیدی در خصوص آزادی‌های مدنی و آزادی مذهب اعمال نمود و بر این اساس مسلمان به دلیل این سیاست‌های تبعیض آمیز با محدودیت‌های زیادی مواجه شدند. رفتارهای خشونت آمیز و به ویژه از سوی پلیس این کشور، خسارات جبران ناپذیری را بر مسلمانان وارد می‌کرد. در این کشور تا قبل از سال ۲۰۰۱، مقامات امنیتی مجاز نبودند که آنچه را داخل مساجد می‌گذرد تحت کنترل قرار دهند اما قوانین جدید تروریستی برخی مفرها را باز گذاشته و مصونیت گروه‌های مذهبی از بازپرسی و نظارت را لغو کرده است. همچنین دولت آلمان به طرق مختلف سعی در ترویج اسلام هراسی در این کشور به ویژه از طریق کتاب‌های درسی و آموزشی دارد. مرکز "جورج اکت" آلمان تحقیقاتی را بر روی کتاب‌های درسی اروپا و در کشورهای بریتانیا، فرانسه، اتریش، اسپانیا و آلمان انجام داد. به گفته مدیر این طرح در کتاب‌های درسی اروپا، اسلام یک مذهب قدیمی و کهنه نشان داده شده که قابل استفاده برای اروپای مدرن نیست که این نظریه، اسلام ستیزی میان دانش آموزان را ترویج می‌دهد. از سوی دیگر کتاب‌های درسی این کشورها درباره اسلام مبالغه منفی کرده و مانع گفتگوهای سازنده میان تمدن ها با جهان اسلام می‌شود. یکی از دلایل اوج گرفتن بحث‌های اسلام‌هراسی در آلمان انتشار کتابی در سال ۲۰۱۰ بود. در این سال "تیلو سارازین" سیاست‌مدار و عضو سابق هیأت مدیره بانک فدرال آلمان کتاب **آلمان خود را محو می‌نماید** را منتشر کرد. وی در این کتاب مطرح نمود، از آنجا که مهاجران مسلمان از نظر ژنتیک از هوش کمتری برخوردار بوده و بازدهی و کارایی کمتری دارند، آلمان را به سمت تبدیل به ملت کودکان‌ها رهنمون می‌سازند. سپس در ماه اکتبر همان سال مرکل صدراعظم آلمان اعلام نمود که سیاست تکثر فرهنگی شکست خورده است. این سخنان به احساسات اسلام هراسانه میان آلمانی‌ها دامن زد. و سیاست‌های سخت گیرانه این کشور جهت محدود شدن مسلمانان شدت یافت برای مثال آلمان از جمله کشورهای اروپایی است که زنان در داشتن حجاب منعی نداشتند ولی مجلس ایالت بادن ورتمبرگ قانونی تصویب کرد که در آن پوشش اسلامی برای معلمان آموزشگاه‌های دولتی این ایالت ممنوع شده است. این در حالی است که استفاده از مظاهر دینی را برای مسیحیان و یهودیان آزاد گذاشته است. گفتنی است دادگاه قانون اساسی آلمان که مسئول اظهار نظر درباره منع حجاب اسلامی در مدارس این کشور است، تصمیم گیری در این باره را به ایالت‌های محلی واگذار کرده است.

در خصوص محدودیت‌های شغلی از آن‌جایی که اقلیت مسلمان در آمار نیروی کار این کشور لحاظ نمی‌شوند، آمار دقیقی درباره وضعیت اشتغال مسلمانان وجود ندارد. ولی به طور کلی نرخ بیکاری در بین مسلمانان این کشور بالاست و اغلب به دلیل نداشتن تابعیت آلمان در مشاغلی که نیاز به تخصص خاصی ندارد، به کار گمارده می‌شوند و تحت تبعیض غیر رسمی دولت آلمان قرار می‌گیرند. (همان)

در خصوص آموزش گفتنی است ۷۰۰ هزار نفر از مسلمانان این کشور به تحصیل مشغولند، ولی آنها در مدارس رده بالا ثبت نام نمی‌شوند و اغلب بدون اخذ مدرک ترک تحصیل می‌کنند. رویه دولت آلمان بر این بود که ساختارهایی مذهبی در مدارس توسط انجمن‌های اسلامی و تحت نظارت دولت آلمان ایجاد شود. اما در عمل مسلمانان با مشکلات زیادی در استقرار این ساختارها مواجه بوده و دولت برای آنها موانع زیادی را به وجود آورده است. با این وجود در سال‌های اخیر برخی از ایالات فدرال در مورد برپایی این ساختارها با گروه‌های اسلامی به توافقاتی دست یافته‌اند. به طور کلی هرچند آموزش مذهبی در مدارس یک حق قانونی در آلمان است، اما گویا تنها برای مسیحیان و یا اقلیت‌های مذهبی که اصالتاً متعلق به اروپای غربی‌اند این حق به رسمیت شناخته شده است که اسلام هم طبعاً از این دایره خارج است.

پیدایش جنبش پگیدا در آلمان

جنبش ضد اسلامی «پگیدا» مخفف عبارت بلند آلمانی به معنای «اروپایی‌های وطن پرست علیه اسلامی کردن غرب»^۱ است که این عنوان به روشنی گویای هویت «پگیدا» که بر دو محور اصلی ملی‌گرایی و ضدیت با اسلام تکیه دارد، است.

این جنبش از اکتبر ۲۰۱۴ بطور پیگیر در حال سازماندهی تظاهرات عمومی در برابر آنچه آن را اسلامی شدن جهان غرب مینامند، است. اولین تجمع این گروه افراطی در حد ۵۰۰ نفر بود که در پاسخ به فراخوان فیسبوکی مؤسس این جنبش "لوتس باخمن" شکل گرفت. خواسته باخمن در آن فراخوان تجمع در اعتراض به سیاست مهاجرت در آلمان بود وی در مطالبات خود مواردی مثل کنترل بیشتر پلیس، عدم مدارا در برابر گروه‌های رادیکال مذهبی و برخورد با مهاجران متخلف را بیان کرده بود.

^۱- patriotische Europaer gegen die Islamisierung des Abendlandes

این جنبش همزمان با موج اسلام هراسی غرب در کشورهای غربی تشکیل شد این جنبش، محور مهاجرتیزی خود را به اسلام هراسی پیوند میزند تا با ترکیب این دو وجه شاخصی میان جریانهای سیاسی آلمانی پیدا کند. (www.defapress.ir/fa/news)

از زمان تولد "پگیدا" در پاییز ۲۰۱۴ میزان خشونت‌ها علیه پناهندگان، مهاجران و اقامتگاه‌های آنان افزایش پیدا کرده است.

بر اساس گزارش مجله سیاسی «آ آر دی» آلمان در سه ماهه قبل از اولین تجمع حامیان جنبش افراط گرای پگیدا ۳۳ مورد حمله روی مهاجران و پناهندگان در آلمان وجود داشت، اما در سه ماهه بعد از آن ۷۶ مورد از این گونه اقدامات گزارش شده است که این یک افزایش خشونت علیه مهاجران در آلمان علیه مهاجران و به ویژه مسلمانان را نشان می‌دهد. (<https://www.tasnimnews.com/fa/news/>)

دولتمردان آلمانی با وجود اینکه در ظاهر با پیدایش چنین جنبشی مخالفت می‌کنند اما به طور عملی با رویکردهای افراطی و اغلب ستیزه جویانه با اسلام اقدامی را انجام نمی‌دهند. آنها از یک سو آزادی بیان را حق هر شخص می‌دانند و از سوی دیگر با جنبش‌های افراطی مانند «پگیدا» مخالفت می‌کنند. اما آنچه امروز تحت عنوان اسلام هراسی و تولد جنبش‌های ضد اسلامی در غرب در حال شکل گیری است نتیجه سیاست‌های تبعیض آمیز کشورهای غربی در قبال برخورد با مسلمانان و نقض آشکار حقوق مسلمانان است که یکی از نمونه‌های بارز آن قتل مروه الشربینی در محضر دادگاه آلمان است که با سکوت و انفعال مقامات این کشور روبرو شد.

مواضع سیاسی

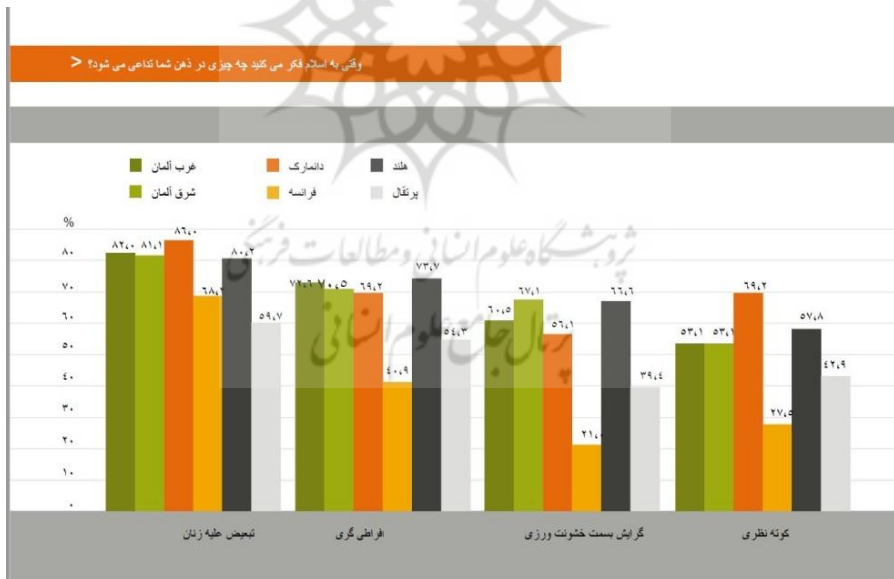
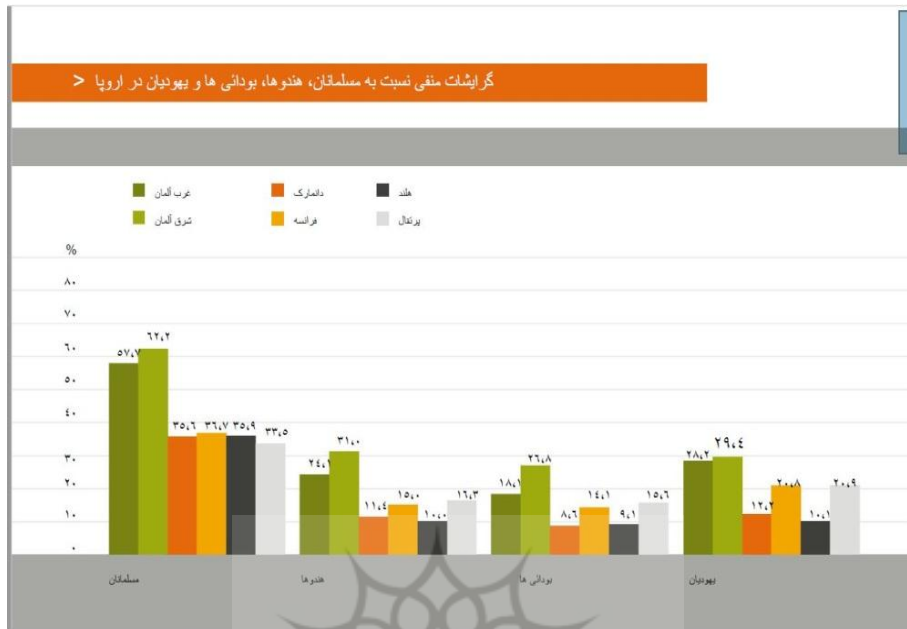
در آغاز دسامبر سال ۲۰۱۴، پگیدا، مرام‌نامه بدون نام و تاریخ تک صفحه‌ای با ۱۹ ماده منتشر نمود.

۱. حفظ حق پناهندگی سیاسی و پناهندگی اجتماعی.
۲. حامی پذیرش بی‌چون و چرای قانون اساسی آلمان است.
۳. حمایت از اسکان غیر متمرکز پناهندگان.
۴. پیشنهاد ایجاد یک مرکز پناهندگان به اتحادیه اروپا.
۵. درخواست کاهش تعداد پناهجویان به ازای مددکار اجتماعی.
۶. پیشنهاد پیروی از نمونه هلند و سوئیس در مدیریت پناهندگی.

۷. درخواست افزایش بودجه پلیس.
۸. درخواست اجرای تمام قوانین پناهندگی از جمله اخراج در صورت نیاز.
۹. تایید بر عدم هرگونه بردباری نسبت به پناهندگان و مهاجران جنایی.
۱۰. پشتیبانی از مهاجرت به سوئیس، کانادا، استرالیا و آفریقای جنوبی.
۱۱. پشتیبانی از انتخاب جنسیت پس از تولد.
۱۲. پگیدا مخالف هرنوع ایدئولوژی سیاسی، روحانی و نیز خشونت آمیز است اما مخالف جذب گروه‌های سیاسی معتدل مسلمان نیست.
۱۳. خواهان حمایت از فرهنگ یهودی-مسیحی در آلمان.
۱۴. مخالفت با اظهارات سیاست‌پسند.
۱۵. مخالف گروه‌ها و دادگاه‌های موازی بر پایه شریعت اسلام و یهود، در کشور آلمان.
۱۶. مخالفت با بنیادگرایی مذهبی.
۱۷. پشتیبانی از آزادی بیان درباره تمام مذاهب.
۱۸. مخالف مسلح کردن و کمک به هر گروه بنیادگرا.
۱۹. پشتیبانی روش همه‌پرسی با مدل سوئیس.

نتیجه‌گیری:

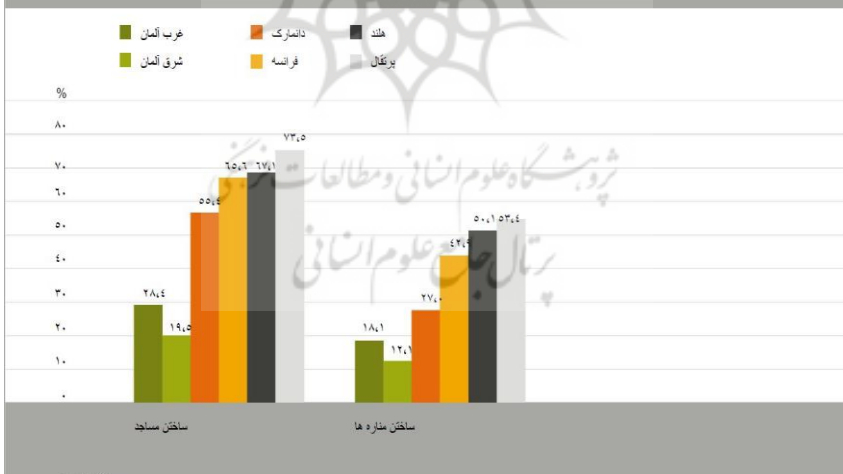
اسلام‌هراسی پدید آمده در اروپا حاصل تحولاتی تاریخی است. جهت تعدیل آن دولت‌ها باید عملکردهای خود را تغییر دهند که مستلزم تغییر نگرش‌ها در جوامع اروپایی است برای مثال مسلمانان آلمان در این کشور به شکل مستقیم و غیرمستقیم با تبعیض‌های زیادی در زمینه استخدام، تحصیلات، مسکن، حتی استفاده از رستوران‌ها و ... مواجهند و از این نظر ابراز نارضایتی می‌کنند. اسلام‌هراسی، رفتار خشونت آمیز علیه مسلمانان، مشکلات فراوان برای دریافت مجوز ساخت مسجد و همچنین ارائه نشدن دروس اسلامی در مدارس آلمان به رغم حضور دانش‌آموزان مسلمان و ... همگی از جمله مسائل و مشکلاتی هستند که شرایط زندگی و فعالیت برای مسلمانان این کشور را سخت می‌کند. اما با تغییر عملکرد دولت این کشور این مسئله حل شدنی است. از سوی دیگر دولت‌های کشورهای مسلمان نیز باید اجازه دهند اسلام به گونه‌ای بومی در کشورهای اروپایی شکل بگیرد و مبلغانشان فارغ از تنگ نظری انجام وظیفه نمایند.



وکی به اسلام فکر می‌کنید چه چیزی در ذهن شما تداعی می‌شود؟ >

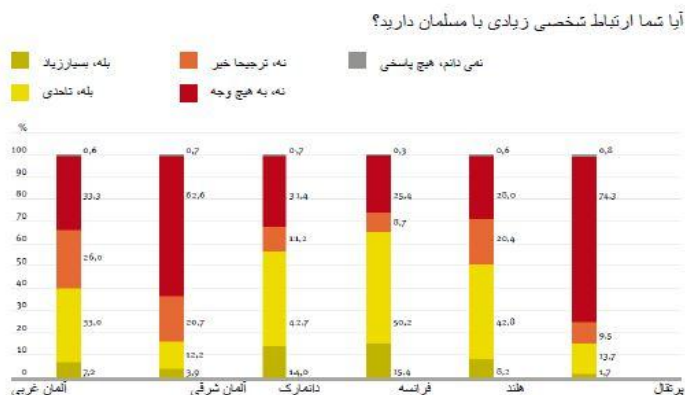


پیش‌گام ساختن مساجد و مناره‌ها >



منبع:

http://www.uni-muenster.de/Religion-und-Politik/en/aktuelles/2010/dez/PM_Studie_Religioese_Vielfalt_in_Europa.html



منبع:

[http://www.uni-muenster.de/Religion-und-](http://www.uni-muenster.de/Religion-und-Politik/en/aktuelles/2010/dez/PM_Studie_Religioese_Vielfalt_in_Europa.html)

[Politik/en/aktuelles/2010/dez/PM_Studie_Religioese_Vielfalt_in_Europa.html](http://www.uni-muenster.de/Religion-und-Politik/en/aktuelles/2010/dez/PM_Studie_Religioese_Vielfalt_in_Europa.html)

منابع فارسی:

کتاب

آذر مکان، محسن (۱۳۹۰)، گزارش و تحلیل فرهنگی اسلام هراسی و اسلام ستیزی در آلمان، تهران

- چامسکی، نوام (۱۳۸۰)، یازده سپتامبر آغاز عصری نو، ترجمه ضیاء خسرو شاهی، تهران: درسا
- شیفاور، ورنر (۱۳۷۸)، مهاجرت و تدین، توماس گرهللم و جورج لیتمن (ویراستاران)، حضور نوین اسلام در اروپای غربی، ترجمه محمد قالیباف خراسانی، تهران: انتشارات بین المللی الهدی
- عنایت حمید (۱۳۸۵)، سیری در اندیشه‌ی سیاسی غرب، تهران: انتشارات امیر کبیر
- عودی، ستار (۱۳۸۷)، تاریخ فشرده جنگ‌های صلیبی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

- وارد، گلن (۱۳۸۴)، پست‌مدرنیسم، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: انتشارات قصیده‌سرا

مقالات

- اسلام هراسی و اسلام ستیزی: ده سال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، (۱۳۹۰)، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۴، زمستان

- امینیان، بهادر (۱۳۸۷)، اسلام ستیزی در غرب دلایل و ویژگی‌ها، فصلنامه سیاست خارجی، بهار

- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۷)، نیاز به دشمن این بار اسلام، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی

English resources

Book

- Benn, T. & Jawad, H. (2004), **Muslim Women in the United Kingdom and Beyond: Experiences and Images.**
- Cesari, Jocelyne (2003), **Muslim Minorities in Europe: The Silent Revolution**, in Esposito, John and Burgat, Francois (eds.), *Modernizing Islam: Religion in the Public Sphere in the Middle East and in Europe*, Rutgers University Press
- Egorova, Y. & Tudor, P. (2003), **Jews, Muslims, and Mass Media: Mediating the 'Other'**, London: Routledge Curzon
- Johnson, M. R. D., Soydan, H; Williams, C. (1998), **Social Work and Minorities: European Perspectives**, London; New York: Routledge
- Miles, R. & Brown, M. (2003), **Racism**, London; New York: Routledge. Poynting

PePer

- Cf. Encyclopedia of Race and Ethnic Studies. (2003). Ed. Cashmore .E. Routledge
- Scott & Mason, Victoria (2007), **The Resistible Rise of Islamophobia**, Journal of Sociology 43 (1)

Site

- Daten, Neue (2002), **Religion-online Newsletter**, Nr. 2, October 31, at <http://www.religion-online.info>
- European Forum on Migration Research in Torino**, June, p.10, at <http://www.fieri.it>
- Fance Backs Hate Expulsion Law**, (2004), BBC. July 16
- Introduction to Islam and Other Religions Denmark**, at <http://www.islam.dk>
- Henley, John (2004), France Reassures Muslims, The Guardian, May 4.
- International Helsinki Federation for Human Rights (IHF)** (2005), *Intolerance and Discrimination against Muslims in the EU: Development since September 11, March.* "Introduction to Islam and Other Religions in Denmark", at <http://www.islam.dk>
- Rohe, Mathias (2003), **The Legal Treatment of Muslims in Germany**, Presented at International ad
- <http://library.tebyan.net/newindex.aspx?pid>
- <http://www.euro-islam.info/country-profiles/germany/#footnote>

- <http://www.ima.ir/News.aspx?Nid>
- <http://www.gatestoneinstitute.org/germany-islamization>
- <http://www.bultannews.com/fa/news>
- http://www.onepeoplesproject.com/index.php?option=com_content&view=article&id
- <http://www.frontpagemag.Com/Articles/Read.aspx?GUID=448A41BB-FCAA-4A8F-A288-538DD09269EA>.
- <http://jos.sagepub.com/cgi/cont/abstent/abstract/43/1/61>.
- <http://www.runnymedetrust.org/uploads/publications/pdfs/islamophobia.Pdf>
- <http://www.un.org/News/press/docs/2004/sgsm9637.htm>.
- <http://www..de/konver Eten-deutschland-25160149.html>
- http://globalreligiousfutures.org/regions/europe#/?region_map_religion=Muslims

